

چالش‌های حقوقی استرداد چک

محمدباقر فتحی

دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه آزاد تبریز

چکیده

امروزه وجود چک برای همه ما ضروری تلقی می‌شود چرا که از پرداخت ثمن معامله، تضمین انجام کار، ایفای تعهد و... تا تضمین تخلیه و سایر امور به وسیله آن انجام می‌شود و از این رو از دعاوی رایج بین افراد جامعه که بخش عمده‌ای از پرونده‌های دادگستری را در برمی‌گیرد، دعاوی راجع به چک است. دعاوی استرداد چک از مهمترین دعاوی حقوقی است که در ارتباط با چک و طبق قوانین مختلف علی‌الخصوص قانون تجارت مطرح می‌گردد. در صورتی که صادرکننده چک و یا متعهد، خواستار استرداد چک امانی خود باشد و همچنین مدعی باشد که دارنده، استحقاق دریافت وجه چک را ندارد و از استرداد چک استنکاف می‌کند، دعاوی استرداد چک را اقامه می‌نماید و یا می‌تواند با داشتن دلایل و مستندات کافی، شکایت جرم خیانت‌درامانت را مطرح کند. به عبارت ساده‌تر دعاوی استرداد چک زمانی مطرح می‌گردد که صادرکننده آن مدعی است، وجه چک را پرداخت کرده است یا چک به عنوان امانت و ضمانت و غیره در ید دارنده بوده است ولی چک را با وجود انجام تعهد یا کار یا انفساخ و ابطال قراردادشان، از طرف مقابل یا دارنده، مسترد ننموده است. درنهایت باید بیان نمود که از مهمترین مسائلی که در امروزه در دادگاه‌ها مطرح می‌گردد و حجم بالایی از پرونده‌های قضایی را به خود اختصاص می‌دهد عبارت است از دعاوی مرتبط با چک است. دعاوی استرداد چک که یکی از این موضوعات مهم در این زمینه است دارای نکات حقوقی بسیاری بوده که در این مقاله به بیان چالش‌های آن می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: چک، استرداد، ظهر نویس، فسخ، سقوط تعهدات، ابراء، اقاله، تبدیل تعهد

۱. استرداد چک

یکی از خواسته‌های خواهان که در واقع خواسته‌ی اصلی شمرده می‌شود استرداد چک است. استرداد در لغت به معنای باز پس گرفتن است.^۱

استرداد چک نیز به معنای باز پس گرفتن چک است. در واقع در دعوی استرداد چک خواهان بنا به دلایلی که ذکر خواهد شد از جمله ادعای پرداخت وجه چک به دارنده خواستار استرداد لاشه چک مزبور را می‌شود تا با در اختیار داشتن آن جلوی سوءاستفاده بعدی دارنده را از سند مزبور بگیرد.

سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که آیا استرداد چک فقط از سوی صادرکننده قابل طرح است یا اینکه مثلاً هر یک از ظهرنویسان نیز امکان اقامه این دعوا را دارند؟

در پاسخ باید بیان داشت به نظر می‌رسد که ظهرنویس نیز بتواند استرداد چک را از دارنده خواستار شود. در واقع بعد از صدور چک توسط صادرکننده و دادن آن به دارنده «ظهرنویس»، قبل از اینکه ظهرنویس آن را ظهرنویسی کند چک در ید او بوده و او مالک محسوب می‌شده است؛ بنابراین اگر به عنوان مثال ظهرنویس ثابت کند که وجه مندرج در چک را به دارنده پرداخته حق دارد استرداد چک مزبور را خواستار شود تا بتواند از طریق آن به ظهرنویسان قبل از خود و صادرکننده مراجعه نماید و از حقوق مندرج در سند استفاده نماید. ماده ۲۵۰ ق.ت.م.ق.ت. مقرر می‌دارد: «هریک از مسئولین تأدیه برات می‌تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراض نامه و صورت حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید بپردازد موقوف کند.» با وحدت ملاک گرفتن از این ماده می‌توان گفت که هر یک از مسئولین در چک نیز دارای این اختیار هستند.

همچنین ماده ۴۱۱ ق.ت. در خصوص پرداخت دین توسط ضامن مقرر می‌دارد: «پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون عنه لازم و مفید است به او داده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسلیم نماید...»؛ بنابراین و بر اساس این ماده نیز می‌توان قائل بر این نظر شد که ضامن نیز می‌تواند استرداد چک را خواستار شود.

سؤال دیگر اینکه دعوی استرداد چک فقط علیه دارنده اول امکان‌پذیر است یعنی درجایی که چک ظهرنویسی نشده و دست به دست نگشته یا اینکه حتی در صورت ظهرنویسی صادرکننده می‌تواند علیه دارنده با واسطه دعوی استرداد چک را مطرح نماید؟

در پاسخ به این سؤال به نظر می‌رسد که استرداد چک فقط در روابط بلافصل بین شخصی که خواهان استرداد چک است اعم از صادرکننده یا ظهرنویس و دارنده قابلیت طرح را دارد نه در برابر دارنده با واسطه و با حسن نیت. زیرا در اینجا اصل عدم توجه ایرادات و اصل استقلال امضات در برابر دارنده با حسن نیت مانع از امکان استرداد چک می‌شود. به عنوان مثال اگر صادرکننده چکی را صادر و آن را در اختیار الف قرار دهد و الف نیز آن را ظهرنویسی نموده و به ب منتقل کند و ب آن را به ج و ج آن را به د انتقال دهد، اگر صادرکننده در زمان صدور یا تسلیم چک به دارنده فاقد قصد و رضا بوده باشد با اینکه با اثبات این موضوع در برابر دارنده با واسطه از مسئولیت پرداخت وجه چک خارج می‌شود اما نمی‌تواند استرداد لاشه چک را خواستار شود. زیرا در این برهه به غیر از تعهد صادرکننده تعهدات دیگری نیز توسط هریک از ظهرنویسان صورت گرفته که مستقل از تعهد صادرکننده می‌باشد و بی‌اعتباری تعهد صادرکننده به تعهدات دیگر خللی وارد نمی‌آورد؛ بنابراین اگر صادرکننده بتواند چک را مسترد کند در واقع در حق دارنده اجحاف صورت گرفته است؛ بنابراین در این موارد چک قابل استرداد نیست و دارنده

۱- محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۵

می‌تواند به استناد آن به دیگر مسئولان مراجعه نماید. استثنا در این مورد ادعای پرداخت وجه چک به دارنده با واسطه و یا با سوءنیت بودن دارنده است.

«خواسته خواهان به طرفیت خواننده استرداد یک فقره چک به ش ۹۹۸۲۹۳-۷۳/۳۵ به مبلغ... ریال است. خواهان در توضیح دعوی خود اظهار کرده که چک موضوع خواسته را امانتاً در اختیار شخصی به نام مصطفی قرار داده که نامبرده با توجه به امانی بودن، چک را به خواننده این پرونده انتقال داده است. لہذا به علت امانی بودن چک درخواست استرداد آن را نموده است. از نظر دادگاه با توجه به مستندات، دعوی خواهان وارد نیست به این دلیل که چک جزء اسناد تجاری محسوب و پس از صدور از منشأ خود منفک می‌شود. مخصوصاً انتقال آن به اشخاص ثالث که دارای حسن نیت باشند موجب غیرقابل استناد بودن ایرادات نسبت به شخص ثالث می‌شود و در مانحن فیه استناد به ایراد امانی بودن چک حتی اگر نسبت به گیرنده اولی قانونی باشد نسبت به شخص ثالث غیرقانونی است. زیرا شخص ثالث علی‌الاصول با حسن نیت چک را به انتقال گرفته و خواهان این پرونده نیز هیچ دلیلی که حاکی از سوءنیت خواننده در انتقال گرفتن چک باشد ارائه نداده است. لہذا دادگاه با استناد به ماده ۲۴۹ق.ت. حکم به رد دعوی خواهان صادر و اعلام می‌دارد...» (دادنامه ش ۶۳۲-۱۳۷۳/۹/۱۹ شعبه ۶۵ دادگاه حقوقی ۲ تهران)^۲

خواهان دعوی استرداد چک، بنابر جهات مختلفی ممکن است این دعوا را اقامه نماید. این جهات ممکن است ناشی از بی‌اعتباری صدور چک، بی‌اعتباری معامله منشأ، اسباب سقوط تعهد و ... باشد. در ذیل هریک از این جهات جداگانه بررسی می‌شود.

الف: ابطال و بی‌اعتباری چک

یکی از جهات‌های که خواهان می‌تواند استرداد چک را خواستار شود، ادعای ابطال و بی‌اعتباری چک است. ادعای ابطال چک را می‌توان در قالب یک دعوی مستقل نیز طرح نمود. موارد ابطال چک همان است که در فصل نخست این بخش بررسی شد یعنی فقدان شرایط مندرج در ماده ۱۹۰ ق.م. در واقع با توجه به اینکه عمل صدور و تسلیم چک، مستقل از عقد مبنای صدور، خود یک عمل حقوقی ارادی محسوب می‌شود باید دارای شرایط مذکور باشد.

بنابراین براساس این ادعا اگر خواهان بتواند ثابت کند که عمل صدور چک و تسلیم آن بنا بر علل مذکور باطل بوده است دارنده استحقاق مطالبه وجه مندرج در چک را بر اساس سند مزبور نداشته و باید لاشه چک را مسترد دارد. البته در اینجا شرایط دعوی ابطال نیز باید وجود داشته باشد؛ یعنی دعوی ابطال چک و به تبع آن استرداد چک فقط از طرف صادرکننده و علیه دارنده اول قابل طرح است. در واقع این دعوا در صورتی قابلیت طرح را دارد که چک ظهرونیسی نشده و دست به دست نگشته باشد و روابط بی‌واسطه باشد؛ زیرا در موردی که چک ظهرونیسی شده باشد اصل استقلال امضات و اصل تجریدی بودن مانع از پذیرش دعوی ابطال چک و در نتیجه استرداد آن به این جهت است و صادرکننده تنها می‌تواند فقدان شرایط مندرج در ماده ۱۹۰ ق.م؛ و باطل بودن عمل حقوقی صدور را به عنوان یک ایراد و دفاع در دعوی که احتمالاً دارنده علیه او طرح می‌کند بیان نماید و در صورت اثبات از مسئولیت خارج شود.

۱- عباس، اجتهادی / ایرج، اسماعیل پور / مسعود، حائری / حسن، عباسیان / علی، عزیزپور / محمدرضا، کارکن، همان منبع، ص ۵۲.

همچنین به استناد اصل استقلال امضات این تنها صادرکننده است که می‌تواند ابطال چک و استرداد آن را خواستار شود و به عنوان مثال ضامن صادرکننده نمی‌تواند به استناد اینکه صادر کننده در زمان صدور شرایط لازم برای انجام یک عمل حقوقی را نداشته از مسئولیت خارج شود یا دعوی استرداد را اقامه نماید.

«در خصوص تجدیدنظرخواهی نسبت به دادنامه ش ۷۲۰ در تاریخ ۸۴/۵/۱۸ دعوی عبارت است از استرداد یک فقره چک که به عنوان تضمین در اختیار خوانده قرار داده شده است. خوانده در دفاعی که نموده اظهار داشته استرداد چک منوط به پرداخت بدهی‌های شهرداری و دارایی و نیز خسارات وارده به عین مستأجره است اولاً: چک سندی است که قاعدتاً در بازار به گردش درمی‌آید و مطابق اصل استقلال امضات در اسناد تجاری، دارندگان چک، حقوقی دارند که ارتباطی به قرارداد نامبردگان ندارد به عبارت دیگر قرارداد مذکور مؤثر در حقوق آن‌ها نمی‌باشد. بدیهی است اگر دارنده چک وجه مورد چک را از صادرکننده دریافت نماید اگر انتقال چک مغایر قرارداد طرفین باشد می‌تواند مطابق مقررات وجه چک را از طرف مقابل دریافت نماید؛ بنابراین استرداد اصل چک با توجه به مواد مذکور با قانون انطباق نداشته با استناد به ماده ۳۵۸ ق.آ.د.م. با نقض دادنامه دعوی صحیح نبوده و مردود اعلام می‌گردد.» (دادنامه ش ۱۲۳۷ - ۸۴/۹/۲۹ شعبه ۲۸ دادگاه تجدید نظر استان تهران)

«اعتراض آقای «ک» نسبت به دادنامه ش... که بر الزام وی به استرداد چک‌های... صادر شده موجه است، زیرا رسید در تاریخ ۸۲/۱۱/۱۹ دلالتی بر آن ندارد که آقای «ک» گیرنده چک‌های مذکور از آقای «م» متعهد به استرداد لاشه چک‌ها به تحویل‌دهنده باشد و دلیلی بر اینکه ید تجدیدنظرخواه بر چک‌های مذکور و نسبت به آقای «م» امانی است اقامه نگردیده و گواهی گواهان خواهان نیز مفید این معنی نیست بلکه اظهارات آنان حکایت از اختلاف مالی بین آقای «م» و آقای «ب» صادرکننده چک‌ها دارد. فلذا حکم بر ابطال دعوی خواهان صادر و اعلام می‌شود.» (دادنامه ش ۲۳۲ - ۸۵/۲/۳۰ شعبه هشت دادگاه تجدیدنظر استان تهران)

ب: ابطال و بی‌اعتباری تعهد منشأ

صدور چک معمولاً مسبوق به وجود تعهد یا رابطه‌ی حقوقی است که آن را تعهد پایه یا مبنا یا منشأ می‌نامند. لیکن چک تجاری تنظیمی مستقل از روابط حقوقی قبلی است و حتی ممکن است جهت کسب اعتبار رأساً صادر گردد. پس از صدور چک به طور صحیح تعهد پیشین اعم از اینکه یک رابطه حقوقی مدنی یا تجاری و یا ناشی از جرم یا شبه جرم و یا اثر بلاسبب و ... بوده باشد به یک رابطه و تعهد تبدیل می‌شود. که تعهدی مجزا، مستقل و منفک از تعهد قبلی است. اصل عدم توجه ایرادات اطلاق خود را در روابط شخصی میان طرفین بلافصل از دست می‌دهد. لذا اگر متعهد ایراد نماید، که تعهد یا رابطه‌ی حقوقی سابق که منشأ و علت صدور چک متنازع‌فیه شده به جهتی از جهات قانونی ساقط و یا منحل و یا باطل گردیده و یا اینکه پس از صدور چک موصوف به واسطه‌ی وفای به عهد، اقاله، ابراء، تبدیل تعهد، تهاتر، مالکیت ما فی الذمه، فسخ، انفساخ، منفسخ و... از بین رفته و یا اینکه این چک به موجب نوشته دیگر در نزد وی به صورت امانت بوده است و ایراداتی از این قبیل در این حالت ایراد خواننده علی‌رغم اصل عدم توجه ایرادات استماع می‌شود و استثناء بر اصل است. البته صرفاً در مورد طرفین بلافصل و قائم‌مقام قانونی قهری (صادرکننده و گیرنده‌ی اولی) قابل اعمال است. ولی اگر چک به گردش درآمد یا به طور غیرقهری منتقل شد دیگر این‌گونه ایرادات در برابر ایادی بعدی قابل استناد نیست.^۳ بنابراین در صورتی که در روابط بین صادرکننده یا ظهرنویس چک و شخص بلافصل او دعوا مطرح باشد، اگرچه اصل بر بدهکاری امضاء کننده چک است، لیکن ایراداتی که

۱- بهرام، بهرامی، همان منبع، صص ۶۹-۷۰.

خواننده مطرح می‌کند باید مورد رسیدگی قرار گیرد. صادرکننده با اثبات این موضوعات مذکور در بالا می‌تواند استرداد لاشه‌ی چک مزبور را از دارنده خواستار شود.

...سابقاً راجع به چک موضوع دعوی شکایت کیفری مبنی بر صدور چک بلامحل، خیانت‌درامانت و سرقت طی پرونده کلاسه ۷۸/۱۳۶ شعبه اول دادگاه عمومی گرگان طرح گردید محکمه در پرونده کیفری خانم «م-ک» را دارنده با حسن نیت ندانسته است و مهمتر آنکه اساساً تحصیل چک مذکور را نامشروع دانسته است. رأی قطعی کیفری در شعبه‌ی اول دادگاه عمومی گرگان برای این محکمه که دادگاه حقوقی محسوب می‌شود براساس قاعده تبعیت محاکم حقوقی از آراء قطعی محاکم کیفری لازم‌الاتباع می‌باشد. مضافاً بر اینکه معاملات فاسد و اموالی که از راه نامشروع به دست آمده است قابل تملک و مطالبه نیست لهدا دادگاه دعوی خواهان را غیر وارد تشخیص و مستنداً به ماده ۱۹۷ ق.آ.د.م. حکم بر بی‌حقی خواهان صادر و اعلام می‌نماید. در خصوص دادخواست تقابل تقدیمی آقای «ح-ک» با وکالت آقای «ر-س» بطرفیت از خانم «م-ک» به خواسته صدور حکم بر محکومیت خواننده به استرداد چک موصوف با عنایت به دلایل ذکر شده در قسمت اول رأی و با توجه به اینکه اگر کسی عمداً یا اشتباهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است آن را به مالک تسلیم کند لهدا دادگاه دعوی خواهان را وارد و ثابت تشخیص و مستنداً به ماده ۳۰۱ ق.م. حکم بر محکومیت خانم «م-ک» به استرداد چک مذکور ... صادر و اعلام می‌نماید... (رأی شماره ۸۹۸ - ۸۷/۹/۱۳ مربوط به پرونده کلاسه ۲/۸۶/۹۴۷ شعبه‌ی دوم دادگاه عمومی حقوقی گرگان)

پ: فسخ

در عقد لازم بر هم زدن عقد امری است نامتعارف و نیاز به مجوز قانونی یا قراردادی دارد و بر عکس عقد جایز را هر یک از طرفین به دلخواه می‌توانند فسخ کنند. فسخ یک عمل حقوقی است و نیاز به انشاء دارد و در زمره ایقاعات است و اراده باطنی و اشتیاق فسخ‌کننده اثری ندارد و تصمیم او باید اعلان شود و چهره بیرونی و مادی بیابد، هرچند به آگاهی طرف دیگر عقد نرسد و علت آن نیز این است که اراده باید قابل احراز باشد تا مؤثر بیفتد. در فسخ اثر عمده آن نابودی و گسستن است و عملی قاطع می‌باشد. اختیار فسخ یا ناشی از خواست صریح یا ضمنی دو طرف قرارداد یا به خاطر رفع ضرر می‌باشد. اثرات مهمی که از اجرای اختیارات پیش می‌آید:

- ✓ انحلال عقد لازم است که پیش از فسخ، عقد اثر خود را می‌گذارد و پس از فسخ، عقد منحل می‌شود.
 - ✓ اثر فسخ محدود به انحلال قرارداد نمی‌شود و آثار به‌جای مانده از آن را تا جایی که به حقوق دیگران صدمه نمی‌زند، باز می‌گرداند و هدف عمده از فسخ این است که وضع دو طرف به جای پیشین بازگردد.
- در اسناد تجاری نیز چون عقد لازم است، پس یکی از راه‌های انحلال آن فسخ می‌باشد که به وسیله استفاده از اختیارات می‌توان آن را منحل کرد. تنها اختیاراتی که در اسناد تجاری به وجود می‌آید، خیار شرط و خیار تخلف از شرط است چرا که طبق موادی از قانون تجارت شرط در ضمن این اسناد پذیرفته شده است، پس خیار تخلف از آن امکان‌پذیر می‌باشد. درجایی که بین صادرکننده و دارنده بلافصل چنین شرطی شود و تخلف از آن صورت گیرد، به‌راحتی می‌توان عقد را بر هم زد.
- در مورد چک در قانون بیان شده است اگر شرطی در ضمن چک شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نمی‌دهد. چون چک دستور پرداخت است و اگر بین آن‌ها شرط مهلتی باشد، در مقابل دیگران قابل استناد نیست. پس اگر تخلفی از این شروط صورت گیرد، بین دارنده و صادرکننده و ظهرنویس و دارنده بلافصل پذیرفته شده است و نسبت به دیگران تأثیر ندارد و سند تجاری وصف تجریدی دارد. یعنی مجرد از تمام روابط مبنایی زمانی که در جریان گردش قرار گرفته، مؤثر می‌افتد و آثار

حقوقی خود و تعهدات امضاء کنندگان را به دنبال دارد. اگر سند تجاری در گردش قرار گیرد و شروطی که در آن بیان شده منجر به فسخ سند تجاری گردد، پذیرفته نیست.

ت: انفساخ

در تمام مواردی که واژه «انفساخ» بکار برده می‌شود، قهری بودن انحلال مدنظر است. یعنی اینکه عقد بدون اینکه نیاز به عمل حقوقی داشته باشد، خودبه‌خود از بین می‌رود. گاهی اوقات انفساخ ناشی از تراضی طرفین برای انحلال عقد در آینده می‌باشد. گاهی انفساخ ناشی از قانون است. مثلاً در مورد تلف مبیع پس از قبض که در ماده ۳۸۷ قانون مدنی قانونگذار تلف قهری موضوع تملیک را در عقود معاوضی از اسباب انفساخ آن قرار داده است. در اسناد تجاری انفساخ در دو حالت بررسی می‌شود: انفساخ ناشی از تراضی: این شرط «انفساخ» در عقدی اثر دارد که قابل انحلال به اراده باشد. مثلاً شرط انفساخ بین صادرکننده و یا ظهرنویس با دارنده بلافصل گذاشته می‌شود. پس از تحقق شرط فاسخ عقد خود به خود انحلال پیدا می‌کند و سند تجاری از بین می‌رود.

انفساخ ناشی از قانون: در ماده ۳۸۷ قانون مدنی بیان شده: «اگر مبیع پیش از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد. مگر اینکه بایع برای تسلیم به حاکم یا قائم‌مقام او رجوع نموده باشد که در این صورت تلف از مال مشتری خواهد بود.»

اما در اسناد تجاری اگر قبل از تسلیم و بدون تقصیر و اهمال از طرف صادر کننده سند تجاری از بین برود سند (عقد) منفسخ می‌شود. اگر سند در جریان گردش نیز قرار بگیرد و اگر هر فردی که این سند فی‌المثل از طریق ظهرنویسی به او منتقل شده و قبل از اینکه آن را به فرد بعدی که از او طلبکار است بدهد، سند از بین برود، این عقد منفسخ و در مقابل طلبکار باید ثمن را بدهد و یا از راه‌های دیگر ایفای به عهد نماید.

ث: سقوط تعهدات

ماده ۲۶۴ ق.م. مقرر می‌دارد: تعهدات به یکی از طرق ذیل ساقط می‌شود:

- ✓ به وسیله وفای به عهد.
- ✓ ...
- ✓ ...
- ✓ ...
- ✓ ...
- ✓ ...

اگر تعهد صادرکننده مبنی بر داشتن موجودی در زمان صدور چک در بانک محال‌علیه و یا تعهد وی مبنی بر پرداخت وجه چک به دارنده را یک تعهد حقوقی محسوب نمایم صادرکننده می‌تواند با اثبات یک از طرق مندرج در ماده ۲۶۴ ق.م. مبنی بر سقوط تعهد، استرداد لاشه چک که در واقع سند تعهد وی بوده است را خواستار شود. در ذیل هر یک از این طرق جداگانه بررسی می‌شود.

۱. وفای به عهد

شایع‌ترین علتی که معمولاً خواهان دعوای استرداد مدعی آن می‌شود، پرداخت وجه مندرج در چک به دارنده است. براساس این سبب خواهان که مسئول پرداخت وجه چک بوده مدعی می‌شود که به تعهد خود عمل نموده و وجه مذکور را به دارنده داده و وفای به عهد نموده است اما دارنده که قرار بوده چک را به وی مسترد دارد از این کار استنکاف ورزیده و به تعهد خود عمل ننموده است.

در اینجا اگر خواهان بتواند ادعای خود را به اثبات برساند می‌تواند استرداد چک را خواستار شود؛ زیرا با پرداخت وجه و انجام تعهد مندرج در سند دیگر موردی برای آن باقی نمی‌ماند و دارنده موظف است لاشه چک را به خواهان مسترد نماید. البته اصل بر این است که با وجود اصل چک در ید دارنده، صادرکننده همچنان مسئول و بدهکار محسوب می‌شود و اوست که باید خلاف این اصل را به اثبات برساند.

فرضی که در اینجا قابل بررسی است پرداخت وجه چک توسط شخص ثالث است. شخص ثالث یعنی شخصی که در چک، اسمی از او ذکر نشده باشد و مداخله می‌کند و وجه را می‌پردازد و مداخله او به نفع یکی از امضاءکنندگان است. البته قانونگذار در مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ ق.ت. راجع به پرداخت توسط شخص ثالث مواردی بیان نموده است. در ماده ۲۷۱ آمده که شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و تکالیف دارنده است. این ماده بیان می‌کند که شخص ثالث با پرداخت، دارنده چک می‌باشد. در اینجا یک تفاوت بین پرداخت دین در ق.م؛ و ق.ت. وجود دارد. در قانون مدنی ایفاء دین از جانب غیر مدیون جایز است و پرداخت‌کننده زمانی می‌تواند به مدیون رجوع کند که مأذون باشد و اگر مأذون نباشد، تبرعی است. (ماده ۲۶۷ ق.م.) ولی در قانون تجارت شخص پرداخت‌کننده، با پرداخت دارای سند می‌باشد و احتیاجی به اذن متعهد نیست. اگر وجه چک را شخص ثالث از طرف صادرکننده پرداخت کند تمام ظهرنویس‌ها بری الذمه می‌شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویس‌ها به عمل آید ظهرنویس‌های بعد از او بری الذمه می‌شوند.

ماده ۲۶۶ ق.م. اعلام می‌دارد: «در مورد تعهداتی که برای متعهد له قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد اگر متعهد به میل خود آن را ایفاء نماید دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود».

این ماده در موردی صادق است که تعهدی قبلاً موجود بوده ولی متعهد له آن، قانوناً حق مطالبه آن را ندارد. مثلاً در موردی که دارنده بعد از مدت یک سال اقامه دعوی کند در این صورت مسئولیت ظهرنویسان مشمول مرور زمان شده و از بین می‌رود و دارنده قانوناً نمی‌تواند به آن‌ها مراجعه نماید و هرگاه ظهرنویس به جریان مرور زمان استناد نماید دادگاه قرار عدم استماع دعوی صادر خواهد کرد. با این حال، چنانچه ظهرنویس با میل خود چنین دینی را بپردازد دیگر نمی‌تواند به دلیل اینکه دین مشمول مرور زمان شده بوده است، آن را پس بگیرد. البته معنای استرداد در اینجا استرداد مبلغ پرداختی است نه استرداد لاشه چک.

ماده ۲۷۷ ق.م. مقرر می‌دارد: «متعهد نمی‌تواند متعهد له را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید، ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد.»

حکم ماده ۲۷۷ ق.م. درباره عدم امکان تجزیه پرداخت در فرضی هم که چند تن مسئول پرداخت تمام یک دین هستند (مسئولان تضامنی) اجراء می‌شود.

به موجب ماده ۲۶۸ ق.ت. «اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود، به همان اندازه برات‌دهنده و ظهرنویس‌ها بری می‌شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می‌تواند اعتراض کند». از این ماده استنباط می‌شود که دارنده برات ناچار از قبول همان بخش

پرداخت شده است و ممکن است در جمع ماده ۲۶۸ ق.ت؛ و ۲۷۷ ق.م. گفته شود که ماده ۲۶۸ ق.ت. ناظر به موردی است که بخشی از طلب به رضا پذیرفته شده باشد.

در اجرای بخش اخیر ماده ۲۷۷ ق.م.دادن دادخواست اعسار و تشریفات رسیدگی به آن ضروری نیست؛ زیرا احتمال دارد مدیون معسر نباشد و ضرورت‌های دیگر دادن مهلت عادلانه یا قرار اقساط را ایجاب کند.^۴

ماده ۲۶۹ ق.ت. بیان می‌دارد: «محاکم نمی‌توانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند.» در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ نیز همانند ماده ۲۷۷ ق.م. امکان قرار اقساط برای مدیون پیش‌بینی شده است. از آنجایی که مقررات ق.ت. راجع به برات بوده و نسبت به مقررات قوانین مزبور را تخصیص زده است. شعبه سوم دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۳۶/۳-۱۳۷۲/۱۲۶-۱۳۷۲ همین نظر را تأیید کرده است: ...به لحاظ ماده ۳۰۹ ناظر به ماده ۲۶۹ ق.ت. در مورد دین ناشی از برات و سفته نمی‌توان بدون رضایت صاحب برات و سفته تأدیه وجه را تقسیط کنند....

قابل ذکر است که به استناد ماده ۳۱۴ ق.ت. مقررات مربوط به برات در چک نیز جاری است. «تجدیدنظرخواهی آقای ... که متضمن محکومیت وی به استرداد لاشه چهار فقره چک می‌باشد وارد است زیرا اولاً در توافقتنامه مدرکی که در دادنامه بدوی به اشتباه نظریه داور تلقی گردیده اشاره‌ای به شماره چک‌ها نشده و مشخص نیست چهار فقره چک متنازع فیه جزء چک‌های موضوع توافق بود یا خیر، ثانیاً در قراردادهایی که طرفین، تعهدات متقابلی نسبت به یکدیگر دارند هرکدام از آنان در صورتی می‌تواند الزام طرف دیگر به ایفاء تعهد قراردادی را درخواست نماید که اثبات کند به تعهد خود عمل کرده است و در این بحث تجدیدنظرخواه دلیل و مدرکی که مثبت پرداخت وجه مندرج در توافقتنامه به تجدیدنظرخواه باشد ارائه نکرده است. فلذا قرار عدم استماع دعوی صادر و اعلام می‌شود.» (دادنامه ش ۱۹۶-۸۵/۲/۲۴ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران).

«در خصوص دادخواست تقدیمی خواهان شرکت «ر-ن» به طرفیت خواننده آقای «م-ش» به خواسته صدور حکم بر محکومیت خواننده به استرداد چک ش... به جهت عدم اجرای تعهدات با بررسی و مذاقه در محتویات پرونده ملاحظه می‌گردد دعوی خواهان از اعتبار امر مختوم برخوردار است زیرا سابقاً دارنده چک یعنی آقای «م-ش» در پرونده کلاسه ۸۶/۱۲۴ وجه چک مذکور را مطالبه نموده است و طی دادنامه شماره ۱۴۴ حکم بر استحقاق وی در مطالبه وجه چک صادر شده است. صدور حکم له صادرکننده چک در دعوی استرداد لاشه چک بر فرض صحت با دادنامه صادره تعارض آشکاری پیدا می‌کند درواقع با محق دانستن دارنده حکم بر له وی صادر شده و اگر این محکمه حکمی خلاف رأی مذکور در شورای حل اختلاف صادر نماید درواقع در استحقاق یا عدم استحقاق دارنده چک ورود نموده و چه بسا رأی متفاوت با رأی شورا صادر شود. شرایط اعتبار امر مختوم شامل وحدت موضوع و سبب و طرفین دعوی فراهم است قاعده و مبنایی در اعتبار امر مختوم باید مورد لحاظ قرار گیرد و آن اینکه محاکم باید از صدور رأی نسبت به موضوعاتی که سابقاً محاکم دیگری در حیطه صلاحیت خود اتخاذ نموده امتناع ورزد و این بدان معنی نیست که حتماً خواسته دو دعوی واحد باشد بلکه آن عمل حقوقی و یا وقایع حقوقی مبنای استحقاق و شرایط و توافقات راجع به آن باید ملاک عمل قرار گیرد لهذا دادگاه مستنداً به بند ۶ ماده ۸۴ ق.آ.د.م. قرار رد دعوی خواهان را صادر و اعلام می‌نماید.» (دادنامه ش ۲۰۰-۱۳۸۸/۳/۳۰ شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی گرگان)

۱- ناصر، کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ دوازدهم، نشر میزان، ۱۳۸۴، ص ۲۴۶.

۲. اقاله

اقاله در لغت به معنای آزاد کردن و یا بازکردن چیزی است. در اصطلاح حقوقی، اقاله عبارت است از منحل ساختن عقد با تراضی و توافق طرفین معامله.^۵

ماده ۲۸۳ ق.م. مقرر می‌دارد: «بعد از معامله طرفین می‌توانند به تراضی، آن را اقاله و تفاسخ کنند.»

بنابراین یکی دیگر از عللی که خواهان دعوای استرداد ممکن است عنوان نماید، ادعای اقاله یا تفاسخ عمل صدور چک است. در واقع اگر عمل صدور چک از ناحیه صادرکننده را ایجاب و عمل پذیرش چک توسط دارنده را قبول فرض کرده و این ایجاب و قبول را از ارکان تعهد و عقد بدانیم می‌توانیم معتقد باشیم که صادرکننده و دارنده می‌توانند این تعهد و عقد را اقاله کنند.

نکته‌ای که قابل ذکر است اینکه ادعای اقاله از طرف صادرکننده فقط در روابط بین او و اولین دارنده سبب استرداد چک می‌شود؛ یعنی تا زمانی که چک در دست دارنده بلافصل است و همین که چک در جریان گردش قرار گرفت امکان استناد به اقاله به استناد اصل عدم توجه ایرادات در برابر دارنده با واسطه وجود ندارد.

۳. ابراء

ابراء در لغت به معنای زدودن و پاک کردن آمده است. در اصطلاح حقوقی نیز از معنای لغوی دور نیفتاده و به معنی پاک کردن و زایل کردن دین از ذمه مدیون است.^۶

ماده ۲۸۹ ابراء را چنین تعریف می‌کند: «ابراء عبارت از این است که دائن از حق خود به اختیار صرف‌نظر نماید.»

بنابراین یکی دیگر از عللی که خواهان دعوای استرداد ممکن است عنوان نماید، ادعای ابراء وی از پرداخت وجه مندرج در چک توسط دارنده است.

در اسناد تجاری طلبکار با ابراء مسئول اصلی (صادرکننده) کلیه امضاکنندگان سند تجاری را ابراء می‌کند ولی اگر یکی از ظهرنویسان را ابراء کند، سایرین (ایادی ماقبل) دارای مسئولیت‌اند و دارنده به آن‌ها حق رجوع دارد.

۴. تبدیل تعهد

یکی دیگر از عللی که خواهان دعوای استرداد ممکن است عنوان نماید، ادعای تبدیل تعهد است.

تبدیل تعهد عبارت است از این است که تعهدی جانشین تعهد دیگر شود و تعهد سابق از بین برود. ماده ۲۹۲ ق.م. چنین اعلام می‌دارد: تبدیل تعهد در موارد ذیل حاصل می‌شود:

✓ وقتی که متعهد و متعهد له به تبدیل تعهد اصلی به تعهد جدیدی که قائم مقام آن می‌شود به سببی از اسباب تراضی نمایند در این صورت متعهد نسبت به تعهد اصلی بری می‌شود.

✓ وقتی که شخص ثالثی با رضایت متعهد له قبول کند که دین متعهد را ادا نماید.

✓ وقتی که متعهد له مافی الذمه متعهد را به کس دیگری منتقل نماید.

اگر نقل و انتقال چک را عقد بدانیم، موارد سقوط تعهد و از جمله تبدیل تعهد نسبت به این سند قابل اعمال است.

۱- مهدی، شهیدی، حقوق مدنی، تعهدات، چ هفتم، انتشارات مجد، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹.

۱- همان، ص ۱۲۲.

۵. تهاتر

یکی دیگر از عللی که خواهان دعوی استرداد ممکن است عنوان نماید، ادعای تهاتر است. ماده ۲۹۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «وقتی دو نفر در مقابل یکدیگر مدیون باشند بین دیون آن‌ها به طریقی که مقرر گردیده، تهاتر حاصل می‌شود.» البته باید موضوع دین‌ها یکی و اتحاد زمان و مکان تأدیه وجود داشته باشد. اگر یکی از مدیونین به مبلغ معینی بدهکار باشد و از دیگری نیز مبلغی طلبکار باشد، در سررسید می‌تواند تهاتر کند. مثلاً فردی در یک سند دارنده چک و در سند دیگر صادرکننده چک باشد در سررسید می‌تواند تهاتر کند.

۶. مالکیت ما فی الذمه

یکی دیگر از عللی که خواهان دعوی استرداد ممکن است عنوان نماید، ادعای مالکیت ما فی الذمه است. به موجب ماده ۳۰۰ قانون مدنی: «اگر مدیون مالک فی الذمه خود گردد، ذمه او بری می‌شود. مثل اینکه اگر کسی به مورث خود مدیون باشد، پس از فوت مورث دین نسبت به سهم‌الارث ساقط می‌شود.» مثلاً فرزندی به پدرش چک داد و پدر دارنده چک است برای وصول مبلغ چک، اینجا با فوت پدر که عنوان

۲. توقیف عملیات اجرایی

خواهان دعوی استرداد بسته به اینکه دارنده علیه وی طرح دعوا نموده باشد یا خیر شرایط متفاوتی را خواهد داشت. در فرضی که دارنده هنوز علیه خواهان دعوی استرداد، دعوی را اقامه ننموده وی می‌تواند دادخواست استرداد را تقدیم دادگاه نموده و با اثبات ادعای خود از مسئولیت خارج شود و چک مزبور را مسترد دارد؛ اما ممکن است قبل از اینکه خواهان دعوی استرداد را طرح کند دارنده علیه وی به خواسته مطالبه وجه مندرج در چک اقامه دعوا نموده باشد. در این مورد نیز صادرکننده در جلسه اول دادرسی می‌تواند دعوی استرداد را در قالب دعوی تقابل طرح نماید. در این صورت نیازی به اقامه دعوی مجزا نخواهد بود؛ اما اگر دعوی تقابل طرح نکند و در دعوی اصلی محکوم به پرداخت وجه مندرج در چک به دارنده شود و این حکم به مرحله اجراء برسد صادرکننده که مدعی استرداد است می‌تواند علاوه بر خواسته استرداد، برای جلوگیری از اجرای رأی که قبلاً علیه آن‌ها صادر شده خواسته توقیف عملیات اجرایی رأی مزبور را به خواسته استرداد ضمیمه کند.

همچنین است اگر دارنده علیه صادرکننده از طریق اجرای ثبت اقدام نموده باشد. ماده ۱ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۲۲ بیان می‌دارد: «هرکس دستور اجرای اسناد رسمی را مخالف با مفاد سند یا مخالف با قانون دانسته یا از جهات دیگری شکایت از دستور اجرای سند رسمی داشته باشد می‌تواند به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی اقامه دعوا نماید.»

ماده ۵ قانون مرقوم بیان می‌دارد: «در صورتی که دادگاه دلایل شکایت را قوی بداند یا در اجرای سند رسمی ضرر جبران‌ناپذیر باشد به درخواست مدعی بعد از گرفتن تأمین، قرار توقیف عملیات اجرایی را می‌دهد. ترتیب تأمین همان است که در قوانین دادرسی مدنی برای تأمین خواسته مقرر است و در صورتی که موضوع سند لازم‌الاجرا وجه نقد باشد و مدعی وجه نقد بدهد آن وجه در صندوق ثبت محل توقیف می‌شود و تأمین دیگری گرفته نخواهد شد.»

۳. دستور موقت و منع پرداخت وجه چک

یکی دیگر از خواسته‌هایی که صادرکننده چک ضمن دعوی استرداد چک می‌تواند طرح کند تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر عدم پرداخت وجه چک است.

اداره حقوقی قو قضاییه در این خصوص معتقد است: «در صورتی که صادرکننده چک، مدعی عدم استحقاق دارنده چک باشد، می‌تواند با رعایت مقررات ق.آ.د.م. با تقدیم دادخواست، ضمن ادعای بی‌اعتباری چک و استرداد لاشه آن، تقاضای صدور دستور موقت را بر عدم پرداخت وجه چک، از طرف بانک با رعایت مقررات مربوطه بنماید.» (نظریه شماره ۷/۸۲۷۲ مورخه ۱۳۷۲/۱۲/۱۶)

این عقیده به موجب نظریه شماره ۷/۰۹۸۱ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۹ اداره حقوقی مجدداً به این شکل مورد تأیید قرار گرفته است: «دستور موقت بر منع پرداخت وجه چک با استفاده از مقررات مربوط به دادرسی فوری و مواد ۷۷۰ به بعد ق.آ.د.م. به تقاضای خواهان و ضرورت آن از طرف دادگاه بلاشکال است و پس از صدور دستور موقت بر منع پرداخت، بانک باید مطابق دستور دادگاه عمل کند؛ بنابراین استماع این درخواست فاقد اشکال قانونی است و با توجه به بند دوم که بر واریز وجوه و وجه معادل چک در بانک نیز دلالت دارد موضوع تعقیب شکایت کیفری تا ختم رسیدگی به ماهیت دعوا حقوقی مربوط به دستور موقت توجیهی ندارد.»^۷

نتیجه‌گیری

دعوی استرداد چک بعد از دعوی مطالبه وجه شایع‌ترین دعوی حقوقی نسبت به چک محسوب می‌شود. درواقع در رویه قضایی اغلب دعوی ابطال هم در غالب دعوی استرداد چک مطرح می‌شود و درواقع خود یکی از علل استرداد چک تلقی می‌گردد.

البته در خصوص استرداد چک رأی اصراری شماره ۳۸۸۶/۱۱/۱۰/۱۳۴۰ قابل ذکر است که بیان داشته: «دعوی استرداد چک مشمول قسمت اخیر شق ۶ از ماده ۱۳ ق.آ.د.م. بوده و از جمله دعوی راجع به اشیایی می‌باشد که بهای معینی ندارند و دارای نوعی از اعتبار می‌باشد و در چنین صورتی شرایط و مقررات راجع به دعوی مالی نسبت به خواسته جاری نخواهد بود.» طبق نظر اکثریت مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۳ قضاات دادگاه‌های صلح تهران، دعوی استرداد سفته از مصادیق دعوی مالی بوده و مشمول قسمت اخیر شق ۶ از ماده ۱۳ ق.آ.د.م. می‌باشد. قضاات مزبور چنین استدلال نموده‌اند: «چون سفته از اسناد تجاری است و وجود آن در ید دارنده ظهور در اشتغال ذمه متعهد و ظهرنویس آن دارد و اصل بر استحقاق دارنده آن در مطالبه وجه سفته است و در رسیدگی به دعوی مذکور ایفاء یا عدم ایفاء تعهد و دین مطرح می‌شود و دادگاه تا براءت اشتغال ذمه متعهد و یا ظهرنویس را احراز ننماید نمی‌تواند نفیاً یا اثباتاً نسبت به موضوع دعوی یاد شده اظهارنظر کند لذا دعوی از مصادیق دعوی مالی بوده و مبلغ مندرج در متن سفته ملاک صلاحیت دادگاه خواهد بود و ...».

نظر مذکور، با توجه به تئوری حقوق مبادله‌ای که اساس کنوانسیون ژنو را در مورد برات، سفته و چک تشکیل داده است، برای تقویت حقوق دارنده سند تجاری مفید و منطقی به نظر می‌رسد.^۸

بنابراین دعوی استرداد در تقسیم‌بندی دعوی در زمره‌ی دعوی شخصی، منقول و مالی قرار می‌گیرد.

۱- غلامرضا، کامیار، همان منبع، ص ۱۳۴.

۱- بهرام، بهرامی، همان منبع، صص ۳۰۹-۳۱۰.

منابع

۱. اجتهادی، عباس/ اسماعیل پور، ایرج/ حائری، مسعود / عباسیان، حسن/ عزیزپور، علی/ کارکن، محمدرضا، گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی، نشر میزان، چ اول، ۱۳۷۴.
۲. بهرامی، دکتر بهرام، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، انتشارات نگاه بینه، چ یازدهم، ۱۳۸۸.
۳. بهرامی، دکتر بهرام، حقوق تجارت کاربردی، انتشارات نگاه بینه، چ سوم، ۱۳۸۷.
۴. جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چ بیست و دوم، ۱۳۸۸.
۵. قانون صدور چک.
۶. شهیدی، دکتر مهدی، سقوط تعهدات، انتشارات کانون وکلای دادگستری، چ سوم، ۱۳۷۳.
۷. شهیدی، دکتر مهدی، تعهدات، انتشارات مجد، چ هفتم، ۱۳۸۴.
۸. کاتوزیان، دکتر ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، چ هفتم، ۱۳۸۶.
۹. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج دوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چ هفتم، ۱۳۸۵.
۱۰. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج چهارم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چ پنجم، ۱۳۸۷.
۱۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، اموال و مالکیت، نشر میزان، چ دهم، ۱۳۸۴.
۱۲. کامیار، غلامرضا، مجموعه محشای قانون صدور چک، انتشارات مجد، چ دوم، ۱۳۸۵.
۱۳. کامیار، دکتر محمدرضا، گزیده آراء دادگاه‌های حقوقی ۲ تهران، ج نخست، انتشارات حقوقدان، چ دوم، ۱۳۷۶.